

### اندر ز کوروش بزرگ

ای کسانی که امروز در بستر راحت غنوده آید آیا نمی اندیشید که راجتی امروز شما ملزم بردگی فردا می باشد و فردا کسانی آزاد خواهند زیست که راجتی امروز صرف نظر کنند.

کوروش بزرگ پس از پیروزیهای شگرف در راه سرافرازی ایران در بستر گرم سپر برترش کامبیز (کمبویه) را به تخت نشاند و پسر کوچکش را به فرمانروایی با کتربان گماشت و سفارش کرد که در همه کارها به میل مادرشان رفتار کنند، سپس به آنها گفت که دست همدیگر را بفشارند و سوگند یاد کنند که با همدیگر مهربان باشند و اگر مهربان نباشند نفرین بر آنها باد.

کوروش در کنار فرزندان، دوستان و داوران پارسی به اندر گفتن پرداخت، سپس گفت: ببردود پسران دلبندم، از سوی من از مادر تان وداع کنید. بعد من همه دوستانی که در اینجا هستند و آنهایی که نیستند بمردوم می گویم. بعد دست هر یک از افرادی را که در بیازموش بودند فشرود و روی خود را پوشانید و در گذشت.

اندرز کوروش بزرگ در آخرین لحظات: فرزندان من، دوستان من، بمن اکنون به پایان زندگی نزدیک گشته ام، من را با نشانه های آشکار دریافته ام. وقتی در گذشتم مرا خوشبخت بینداید و کام من اینست که این احساس را در کردار و رفتار شما پیدا باشد. زیرا من هنگام کودکی جوانی و پیری بخوبی دردم. همیشه بیروی من افزون گشته است آنچنانکه امروز این احساس منی که در خود خنک جوانی ضعیف ترم. من دوستان را بخاطر نیکویی های خود، شگفتا و دشمنانم را بطبع خود دیده ام. زادگاه من قطعه کوچکی از آسیا بود. من آن را اکنون با یکوم و بلند پادشاه با می گذارم، در این دنیا که به دنیا دیگر می گذرم و من مهربان را خوشبخت می بینم و از این روز می دارم که ایندگان مرا مردی خوشبخت بدانند.

باید آشکارا جانشین خود را تعیین کنم تا پس از من پریشانی و ناسامانی روی نهد. من شما هر دو فرزندانم را یکسان دوست می دارم ولی فرزند بزرگم کی از خودتین پدیده گشته است و سامان خواهد داد. فرزندانم این شما را از کودکی چنان تربیت کرده ام که پیران را آرام و مرید و میباید که شما جوانان را نیز آرام بدارند.

کومبویه، کومبوش که عسای زرین سلطنتی، تخت و تاجت را نگه خواهد داشت، دوستان صمیمی برای پادشاه عسای مطمئن تری هستند. هر یک باید برای خود خوشبختی بکند فراموش آورد که این دوستان را جز به نیکوکاری بدست نتوان آورد.

به نام خدا و پدران در گذشتم، ای فرزندان اگر می خواهید مرا شاد کنید نسبت به یکدیگر آرام بدارید بیکدیگر بی جان مرا هنگامی که در خاک در این دنیا نیستند در میان سوز و تگداید و هر چه در دستر آن را به دیگران باز دهید.

چه بهتر از این که انسان به خاک که این همه چیزهای نغز و زیبا می پرورد آمیخته گردد. من همواره مردم را دوست داشته ام و اکنون پیش شادمانی خود که با خاکی که به مریدان نعمت می بخشد آمیخته گردم... از تمام پارسایان و متحدان پادشاهم یاد بر - آرمگاه من حاضر گردند و مرا از اینکه دیگر از هیچگونه بدی تری رنج بخوام دور تهنیت گویند.

به آخرین اندرز من گوش فرادهید اگر می خواهید دشمنان خود را تشبیه کنید، به دوستان خود نیکی کنید. ببردود فرزندان و دوستان من ببردود. پس از این گفتار، کوروش روی خود را پوشاند و در گذشت.

### سازمان انجمن معان

باز هم از آموزندگان است آموزش های بنیادی را که با گذشت زمان ترک گزینی یافته، باواده و با باری برخی از آموزندگان همزمان خود بنیاد انجمنی را گذاشته بر آن انجمن معان نام نهاده، در این انجمن سه گروه هموندی داشته اند که برترین به خود استواران و پس از آنان همکاران و سپس یاران بوده اند.

این انجمن برای آن که درست و به سامان گردانده شود و سازمان ویژه ای داشته که نشانه ای از این سازمان را در بند ۴ ماده ۵۳ می توان دید که در برگردان آذر گشتبند چنین آمده: «من کسی را که به عنوان پدر و سرور خودمانی ها، گمارده شده است، دوست خواهم داشت و به همسری خواهم پذیرفت.»

افزوده بر این سرور و یا پدر به خود استواران، دو برنام (لقب) دیگری در اوستا دیده می شود که یکی مگرون هندرزیت (Magron handzarpt) یا مگد اندرزگوی یا مگرون (مشاور) است و دیگری مگوتپان مگوتبت (Magoptanmagopt) یا مودب میدان که سالار (رئیس) انجمن معان بوده است.

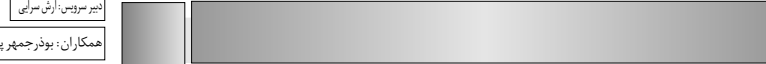
با این دو نشانه می توان پذیرفت که انجمن معان دارای یک سالار بوده و به نام مودب میدان و او را یزانی نامیده شده همان معان اندرز گویند و در ده ای پایین تر سه مودب یا سرور که گروه های سه گانه را سرپرستی می کرده و به آنان آموزش می دادند است.

آنچه گفتار بیرونی و مسعودی را در زمینه ی برایی انجمن معان پیش از پیدایش زرتشت پرهان (سهرهان) است، بند ۱۱ ماده ۲۹ که آشکارا از پیدایش چنین انجمنی پیش از زرتشت مخن می گوید:

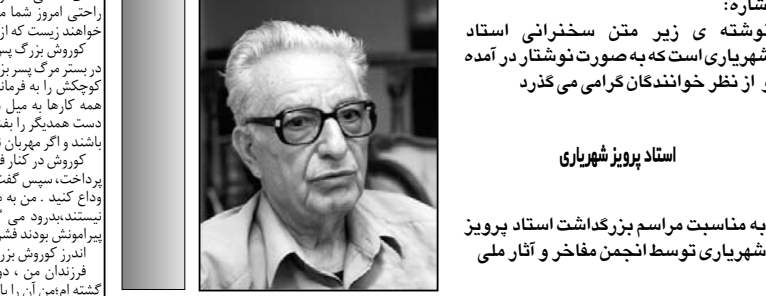
### این انجمن برای آن که درست و به سامان گردانده شود، سازمان ویژه ای داشته که نشانه ای از این سازمان را در بند ۴ ماده ۵۳ می توان دید

از برگردان آذر گشتبند «روان آفرینش به سخنان خود ادامه می دهد: اشا و هوومین خوشتر است، از وقت به باری ما به روی خواهند آورد؟ ای مزدا این تو را انجمن بزرگ - معان خواهند پذیرفت؟ ای هستی بخش ایندک که برای ما یار و مدد کار رسیدی است» که این ساری دهنده ۸ همدین هات زرتشت است) ما هم آماده ی خدمتگزاری هستیم.

این هات نشان می دهد با آن که انجمن معان پیش از زرتشت در کار بوده و سازمان داشته، خشم و ستیز و تراج و گستاخی، همه جا را فرا گرفته بوده است.



### اشاره: نوشته ی زیر متن سخنرانی استاد شهریار است که به صورت نوشتار در آمده و از نظر خوانندگان گرامی می گذرد



### استاد پرویز شهریار

### به مناسبت مراسم بزرگداشت استاد پرویز شهریار توسط انجمن مفاخر و آثار ملی

### سهم ریاضیات ایرانی در تاریخ ادوار جهانی ریاضیات

خط، ریاضیات نظری را دنبال می کند یعنی همان چیزی که زایدده ذهن است و در نتیجه چون ریاضیات نظری در یونان به طور عمده به وجود آورد و دنباله اش از قرن شانزدهم در اروپا گرفته شد، بنابر این باز هم تاریخ ریاضیات از اروپا آغاز شده و به اروپا ختم می شود و اصلا دیگر ملت های دنیا هیچ کاره بوده اند!

«کلمه گزوف نوانست خیلی از مشکلات را حل کند ولی از نظر کرد تاریخ تکامل ریاضی اشکالات جدی دارد. یکی از آنها و عمده ترینش این است که همه ملتها کنار گذشته می شوند به جز ملت زده ی اروپا!؟» این فقط در زمینه ریاضیات نیست، شما را چه به هنر می خواهید کتابی را بخوانید می روید از یونان آغاز می کنید راجع به موسیقی از فیثاغورث و افلاطون آغاز می کنید راجع به مکانیک از ارشمیدس آغاز می کنید راجع به هر دانشی و هر هنری می خواهید مطالعه بکنید... چنان شهرت پیدا کرده که ظاهر چ از یونان اصلا در جای دیگر چیزی وجود نداشته است پس همه چیز از یونان آغاز می شود و به اروپا هم ختم می شود امریکاییها هم که بچه های اروپایی هستند و البته نتیجه همه جای دیگر بصورت زائده ای بی معنی در کنار آنها مطرح می شود.

خارج از آنکه احتمالا این طرز فکر در بعضی از جنبه های خودش به صورت عمدی تلقین می شود من معتقدم بسیاری از مورخان اروپایی با غربی اصولا نداشتند در این دام افتادند.

بلکه انگیزه درون ذهن آدمی است حتی ریاضیدان معروف آلمانی «گروکر» می گوید که عدد های صحیح را خدا آفرید. سپس بقیه اش را بشر از ذهنش بیرون آورده است. گروهی این رویها را فرانسه کار می کنند و بهترین ریاضیدانان فرانسوی را در بر گرفته و معروف است به گروه بورباکی. اینها معتقدند که ریاضیات هیچ ربطی به زندگی بیرون از ذهن آدمی ندارد. هر چه هست در درون ذهن آدمی است و حتی تعجب می کنند که گاهی به تصادف بعضی از کارهای ریاضی در بیرون مورد استفاده پیدا می کنند!

در اوایل نیمه ی دوم سده بیستم در سال ۱۹۵۴ م. یکی از معتبرترین ریاضیدان های جهان، «کلموگروف» مقاله ای به نام تاریخ ریاضیات نوشت. او سعی کرد که نظمی به تکامل تاریخ ریاضی بدهد و مسیر را روشن کند برای تحلیل تاریخ ریاضی به خاطر اعتباری که «کلمرگوف» در جهان ریاضیات داشت پس از او هیچ کس در واقع هیچ کام دیگری برداشت و فقط در مسیر خطی که او نشان داده بود حرکت کردند.

خطی که نشان داد خیلی چیزها را روشن کرد ولی اشکالات زیادی هم داشت خطی که نشان داد این بود که ما یک دوران پیش از تاریخ داریم (از نظر دوران ریاضی) و یک دوران یونان باستان و پس از آن یک دوران تقریباً سکوت داریم و بعد دوران ریاضیات با کمیتیهای متغیری که از دوره «پوینتون» و «لابل نیتز» شروع می شود (قرن شانزدهم) و سپس هم ریاضیات جدید است، به طور خلاصه آن

کسی برای گسترش و نیکامی انجمن برادری معان کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است.

**بند ۷. ۱۶. هات ۴۹.** ای هستی بخش، هنگامی که پیام مقدس تو را به مردم می آموزم نگاه باش تا یاران و خودمانی ها برابر قانون ایردی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند.

**بند ۱۱. هات ۵۱.** ای مزدا کیست آن دوست با وفایی که به زرتشت استیمنان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباخته ی راستی و در جست و جوی اش است. کسی که با عشق و ایمان است و با منش پاک انجمنی که برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن معان وقف خواهد کرد.

**بند ۵۱. هات ۵۱.** پاداشی را که زرتشت به معان برادران دینی از پیش توید داده است گروتمان یا خانه ی سرود و ستایش و بهشت است. جایی که روز از ملزنگاه هستی بخش یاد داده است. **بند ۱۶. هات ۵۱.** یاری نیروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت، که با منش پاک الهام گرفته است، کی گشتاسب به آن پاداش دست یافت.

بروداد در برگردان خود از گات ها از انجمنی با نام معان یا برادری یاد نکرده است. در بند ۳ هات ۲۳ به جای آن گروه های خودمانی و همکار و دوست، از پیشوایان و شرفا و بریزگران و کسی که با غیرت از ستوران پرستاری کند، نام می برد و لی در بند ۷ از بنیادی با نام «انجمن پیروان» یاد می کند و در بند ۱۴ هات ۴۹ از اتحاد ایمانی «پوینتون» یاد می کند و در بند ۴۹ هات ۴۹ از خودمانی های پیشوایان و شرفا و به جای همکاران از دهقانان و در پانامه نوشته است: «مقصود این است وقتی که از پیشوایان و شرفا(زرجمیان) به دین در آید، در میان بریزگران شورت یافته به آنان تاسی خواهند نمود. در بند ۱۱ هات ۵۱ به جای انجمن برادری یا انجمن معان، «پیروان پاک منش» را می گذارد و در بند ۱۵ همین هات به جای معان و برادران یا بران نام می برد و در بند ۷ هات ۲۹ نامی از مجتمع دینداران «به میان می آورد که اگر از آن کاره گریز در روز رستاخیز ناله و فغان از سخنانان خواهند بود.»

ایرج کار پروابولا، در برگردان انگلیسی از گات ها در بند ۳ هات ۲۳ نام سه گروه را برده است که در برگردان پارسی آن به جای خودمانی ها که در برگردان جعفری و آذرگشتبند آمده، به خود استواران «رابرگزیده و نهاده ام و چنان که دیده شد آذرگشتبند نیز بر آن است که خنثوش

کسی برای گسترش و نیکامی انجمن برادری معان کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است.

**بند ۷. ۱۶. هات ۴۹.** ای هستی بخش، هنگامی که پیام مقدس تو را به مردم می آموزم نگاه باش تا یاران و خودمانی ها برابر قانون ایردی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند.

**بند ۱۱. هات ۵۱.** ای مزدا کیست آن دوست با وفایی که به زرتشت استیمنان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباخته ی راستی و در جست و جوی اش است. کسی که با عشق و ایمان است و با منش پاک انجمنی که برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن معان وقف خواهد کرد.

**بند ۵۱. هات ۵۱.** پاداشی را که زرتشت به معان برادران دینی از پیش توید داده است گروتمان یا خانه ی سرود و ستایش و بهشت است. جایی که روز از ملزنگاه هستی بخش یاد داده است. **بند ۱۶. هات ۵۱.** یاری نیروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت، که با منش پاک الهام گرفته است، کی گشتاسب به آن پاداش دست یافت.

آنچه که در تمام طول زندگی من را آزار داده، مساله جایگاه دانش ایرانی است و به ویژه ریاضیات ایرانی، در مجموعه ی تاریخ ریاضیات، به نظر می رسد همه این تحلیل های که وجود دارد دارای کاستی هایی است. یک گرفتاری در یک جای آن هست. به اعتقاد من تاریخ ریاضیات و علم، شاید حتی سگمتره تر باید گفت تاریخ تفکر انسانی هنوز تحلیل نشده است. در زمینه ی تحولات جامعه های بشری تحلیل های گوناگونی وجود دارد که بسیاری از آنها قانع کننده است ولی در مورد تاریخ تفکر انسانی با وجودی که همه مواد و مصالح اصلی آماده است، هنوز آن مرد میدانی که آن را تنظیم کند پیدا نشده

منظور من ایران نیست در سراسر جهان چنین است. تا حدود نیمه قرن بیستم هر کتابی در زمینه تاریخ ریاضیات نوشته شده در واقع زندگینامه ریاضیدانان است و نه تاریخ ریاضی. در زمینه تاریخ ریاضی یکی از مشهورترین و قدیمی ترین کتابها «تاریخ ریاضیات سپونت» انگلیسی است. که دو جلد دارد و با وجودی که این دو جلد را تقسیم کرده، یک جلد را به ریاضیدانها و یک جلد را به ریاضیات اختصاص داده، وقتی آن را می خوانیم جز شرح حال بعضی از ریاضیدانها تا یکدیگر نمی بینیم (و بعضی احتمالاً قضیه ها با مفهومی که به آنها پرداخته اند چیز دیگری نمی بینیم. در آن پیوستگی لازم که آدم احساس کند در طول تاریخ بشر چگونه این امر تکامل پیدا کرده چه ضرورت هایی موجب این تکامل شده تا به ما رسیده وجود ندارد، چرک مرتبه مثلاً در یونان به وجود خودش رسیده و نظرد، از قرن سوم و چهارم میلادی با حداکثر از قرن پنجم میلادی که مکتب اسکندریه کم مسقوط کرده یکبار دوره ای شاید بیش از هزار ساله داریم که به قول کسانی که تاریخ ریاضی را نوشته اند سکوت هست و هیچ خبری نیست و دوباره از قرن پانزدهم و شانزدهم به تدریج با رسالت آغاز می شود؟

اساس علمی این فترت طولانی چیست؟ چطور ممکن است دانشی در یک دوره پیش از ده، دوازده قرن یک مرتبه دچار رکود شود؟ چگونه است دانشی که تکامل آن قانون مند است تنها در گوشه ای از جهان به وجود بیاید و رشد کند و ملتهای دیگر در آن سهمی نداشته باشند؟

اینها پرسش هایی است که در مورد تاریخ و ریاضیات بلکه همه جنبه های آیدنیشه و تفکر انسانی برای متفکری تاریخ می آید.

ریاضی و ریاضیات را چگونه بررسی کنیم که بتوانیم این ردیف تکاملی و به خصوص جای ریاضیدانهای ایرانی را در این مشخص نماییم. تاریخ را چگونه بررسی کنیم که واقعا بتوانیم به نتیجه برسیم؟

اگر قرار باشد که ریاضیات یک دوران تکاملی داشته باشد باید انگیزه های تکامل ریاضیات نیز یک سیر تکاملی داشته باشد و باید این انگیزه های تکامل را از یک سیر تکاملی بعضی معتقدند که ریاضیات هیچ انگیزه بیرونی ندارد

کسی برای گسترش و نیکامی انجمن برادری معان کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است.

**بند ۷. ۱۶. هات ۴۹.** ای هستی بخش، هنگامی که پیام مقدس تو را به مردم می آموزم نگاه باش تا یاران و خودمانی ها برابر قانون ایردی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند.

**بند ۱۱. هات ۵۱.** ای مزدا کیست آن دوست با وفایی که به زرتشت استیمنان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباخته ی راستی و در جست و جوی اش است. کسی که با عشق و ایمان است و با منش پاک انجمنی که برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن معان وقف خواهد کرد.

**بند ۵۱. هات ۵۱.** پاداشی را که زرتشت به معان برادران دینی از پیش توید داده است گروتمان یا خانه ی سرود و ستایش و بهشت است. جایی که روز از ملزنگاه هستی بخش یاد داده است. **بند ۱۶. هات ۵۱.** یاری نیروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت، که با منش پاک الهام گرفته است، کی گشتاسب به آن پاداش دست یافت.

بروداد در برگردان خود از گات ها از انجمنی با نام معان یا برادری یاد نکرده است. در بند ۳ هات ۲۳ به جای آن گروه های خودمانی و همکار و دوست، از پیشوایان و شرفا و بریزگران و کسی که با غیرت از ستوران پرستاری کند، نام می برد و لی در بند ۷ از بنیادی با نام «انجمن پیروان» یاد می کند و در بند ۱۴ هات ۴۹ از خودمانی های پیشوایان و شرفا و به جای همکاران از دهقانان و در پانامه نوشته است: «مقصود این است وقتی که از پیشوایان و شرفا(زرجمیان) به دین در آید، در میان بریزگران شورت یافته به آنان تاسی خواهند نمود. در بند ۱۱ هات ۵۱ به جای انجمن برادری یا انجمن معان، «پیروان پاک منش» را می گذارد و در بند ۱۵ همین هات به جای معان و برادران یا بران نام می برد و در بند ۷ هات ۲۹ نامی از مجتمع دینداران «به میان می آورد که اگر از آن کاره گریز در روز رستاخیز ناله و فغان از سخنانان خواهند بود.»

ایرج کار پروابولا، در برگردان انگلیسی از گات ها در بند ۳ هات ۲۳ نام سه گروه را برده است که در برگردان پارسی آن به جای خودمانی ها که در برگردان جعفری و آذرگشتبند آمده، به خود استواران «رابرگزیده و نهاده ام و چنان که دیده شد آذرگشتبند نیز بر آن است که خنثوش

کسی برای گسترش و نیکامی انجمن برادری معان کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است.

**بند ۷. ۱۶. هات ۴۹.** ای هستی بخش، هنگامی که پیام مقدس تو را به مردم می آموزم نگاه باش تا یاران و خودمانی ها برابر قانون ایردی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند.

**بند ۱۱. هات ۵۱.** ای مزدا کیست آن دوست با وفایی که به زرتشت استیمنان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباخته ی راستی و در جست و جوی اش است. کسی که با عشق و ایمان است و با منش پاک انجمنی که برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن معان وقف خواهد کرد.

**بند ۵۱. هات ۵۱.** پاداشی را که زرتشت به معان برادران دینی از پیش توید داده است گروتمان یا خانه ی سرود و ستایش و بهشت است. جایی که روز از ملزنگاه هستی بخش یاد داده است. **بند ۱۶. هات ۵۱.** یاری نیروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت، که با منش پاک الهام گرفته است، کی گشتاسب به آن پاداش دست یافت.

بروداد در برگردان خود از گات ها از انجمنی با نام معان یا برادری یاد نکرده است. در بند ۳ هات ۲۳ به جای آن گروه های خودمانی و همکار و دوست، از پیشوایان و شرفا و بریزگران و کسی که با غیرت از ستوران پرستاری کند، نام می برد و لی در بند ۷ از بنیادی با نام «انجمن پیروان» یاد می کند و در بند ۱۴ هات ۴۹ از خودمانی های پیشوایان و شرفا و به جای همکاران از دهقانان و در پانامه نوشته است: «مقصود این است وقتی که از پیشوایان و شرفا(زرجمیان) به دین در آید، در میان بریزگران شورت یافته به آنان تاسی خواهند نمود. در بند ۱۱ هات ۵۱ به جای انجمن برادری یا انجمن معان، «پیروان پاک منش» را می گذارد و در بند ۱۵ همین هات به جای معان و برادران یا بران نام می برد و در بند ۷ هات ۲۹ نامی از مجتمع دینداران «به میان می آورد که اگر از آن کاره گریز در روز رستاخیز ناله و فغان از سخنانان خواهند بود.»

ایرج کار پروابولا، در برگردان انگلیسی از گات ها در بند ۳ هات ۲۳ نام سه گروه را برده است که در برگردان پارسی آن به جای خودمانی ها که در برگردان جعفری و آذرگشتبند آمده، به خود استواران «رابرگزیده و نهاده ام و چنان که دیده شد آذرگشتبند نیز بر آن است که خنثوش

### ابوالقاسم پرو

### اشاره: آقای پرویز مهربانی از خوانندگان پورافریضی صفحه ی نوشتار است و هر از چند گاهی با نامه ها و تلفن های خود ما را مورد تفقد و یا انتقاد قرار می دهند. نوشته ی زیر از طرف ایشان برای ما فرستاده شده است. این نوشته فصلی از کتاب «بیر معان» نوشته ی ابوالقاسم پرو است.

با تشکر از استیمنان، ابوالقاسم پرو از مقالات و نوشته های خودشان هم در این صفحه استفاده کنیم

استیاری را به اشخاص منکی به خود با اراده ای قوی نیز می توان ترجمه کرد. در بند ۱۱ هات ۵۱ تارپورولای (پرهون(رابره) برادری باد کرده و در بند ۱۶ و ۱۵ همان هات از انجمن برادری و آیین برادری در بند ۷ هات ۵۳ باز هم از انجمن برادری چ.

مسعودی در مورد آذرگشتبند بر آن است «باورهایی که بر سر همین زرتشت را می سازد، پیش از اونیز در کار بوده است. شهرستانی که بخش سیم ملل و نحل را ویژه ی زرتشتیان و «پارزاشتیبه» کرد، در گفت و گوهای بعد از او بردن بر آن است که دین نو نخست به کیومرث نموده شده: «پس نمود این دین، اولاً، کیومرث را و دریافت آن را و یاد گرفت بی تعلیمی و درس نخواندنی» افزوده بر کیومرث، به جم را به سبب انکاری که با ضحاک داشت مطلع

گردانیدیم؟ هم چنین: «این دین را به افریدون و کیبکاس و کیکباده و گرشاسب نموده ام.» باید پذیرفت که این بخش از گفتار شهرستانی برداشت اندرستی از هات ۴۴ است، زیرا که این نامی هات کیومرث و آن دیگران نیامده. شهرستانی از بودن دین دیگری پیش از زرتشت یاد می کند که بر آن «مارسان نام نهاده که گمان می رود بر گشته ای از «مزمینا» است و بر آنست که زرتشت «چیزهایی از دین مارسان اختیار کرده، یکی آن خدایی، اورمزد است.»

تاگمته نماند که همانندی ویژگی های «خداوند هستی و داناه» که او هم از «Ahura Mazda» نام دارد با «وارونا» (Varuna) خدای بخرد در وداها و بسیاری از نشانه های دیگر گواه یکی بودن خاستگاه باورهای زرتشتی و هندوی است و بودن بنیاد یا دین ویژه ای پیش از زرتشت که با یک باسادان آن «دین معان نامیده پذیرفتی است. مسعودی و شهرستانی هر دو بر آنست که پیش از زرتشت در نیایشگاه پاریوده و افزوده بر آن نیایشگاه ها ک نوشته های خود جای میباشان را برشمرده اند. زرتشت خود در نیایشگاه دیگر برپا کرده که یکی از آنها در نیایشرو بوده و در زمان زرتشت است که به درخواست پادشاه ریشناسب، آتش جمشید که از دیرباز از سوی معان نیایش می شده از خوراسامی به دارابگرد، در ایران برده می شود.

سپس گروهی از دانایان، پیش از پدید آمدن زرتشت در کار آموزش مردمان بوده اند. زرتشت که خود یکی از دانایان

کسی برای گسترش و نیکامی انجمن برادری معان کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کیانی شاهنشاه دلیر است.

**بند ۷. ۱۶. هات ۴۹.** ای هستی بخش، هنگامی که پیام مقدس تو را به مردم می آموزم نگاه باش تا یاران و خودمانی ها برابر قانون ایردی زندگی کرده و برای همکاران راهنمای نیکی باشند.

**بند ۱۱. هات ۵۱.** ای مزدا کیست آن دوست با وفایی که به زرتشت استیمنان یاری کند؟ او آن کسی است که دلباخته ی راستی و در جست و جوی اش است. کسی که با عشق و ایمان است و با منش پاک انجمنی که برادری است و زندگانی خود را در راه پیشرفت انجمن معان وقف خواهد کرد.

**بند ۵۱. هات ۵۱.** پاداشی را که زرتشت به معان برادران دینی از پیش توید داده است گروتمان یا خانه ی سرود و ستایش و بهشت است. جایی که روز از ملزنگاه هستی بخش یاد داده است. **بند ۱۶. هات ۵۱.** یاری نیروی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت، که با منش پاک الهام گرفته است، کی گشتاسب به آن پاداش دست یافت.

### آموزش گام به گام شطرنج

جام جانبازانگان به پایان رسید و این دوره از مسابقات ورزشی به خوبی و خوشی برگزار شد ، پس از پایان جام آمیزا ما که در شماره ی قبل کولاک کرده بود و آن سرنوشت کادیمی را نوشته بود در جام فقط به تماشای شطرنج شست و اصلا توجهی به بازی های دیگر نکرد . او از اینکه سوزه ای برای مطرح کردن و ارائه فصل و دایش و توان پیدا کرده بود خوشحال بود ، وارد جلسه گروه چکاچک شد و تپتر وار گفت ؛

۱. بازی شطرنج خوب است ، تا زمانی که قواعد بازی رعایت شود

۲. بازی شطرنج بین دو نفر که دارای مهره های سیاه و سفید هستند انجام می شود و مهره هایی با رنگهای دیگر از درجه اعتبار ساقط است .

۳. هر بازی ۲ گروه مهره سیاه یا ۲ گروه مهره سفید اجازه بازی ندارند

۴. وزیر در صورتیکه توسط بازی گردان خوب حرکت کند مقتدرترین مهره است و همه حرکتی را انجام می دهد. وزیر فقط در حرکت اسب کم می آورد چون اسب بلد است به صورت ال. ال. حرکت کند .

۵. چنانچه در بازی یک مهره سرازعه صدر داشته باشد و در اوخر بازی را به یقیند تا آخر راه را برود ، قادر است تبدیل به وزیر شود و تمام فعالیت های یک وزیر را مقتدرانه انجام دهد لازم به ذکر است وزیر دوم از شش وزیر اول بیشتر است .

۶. وزیر اشاره شده در ردیف ۵ تا زمانی که وزیر است که بازی ادامه داشته باشد .

۷. هیچ بی کسی از فکر بازی کننده خیردار نیست و نمی تواند حرکت کند ، این بازی نیاز به تمرکز ندارد ، تجربه و فکر کارآمد است . یعنی اینکه تکنیک به فکری بهتر کار کند و تجربه ی بیشتری داشته باشد برنده میدان است .

۸. نتایج شطرنجی و به هیچ عنوان دو مهره در یک خانه قرار نمی گیرند حتی دو سرباز یا وجودی که هم رنگ باشند ، ممدیگر را در یک خانه تحمل نمی کنند .

۹. پس از اتمام بازی تمامی مهره ها درون کیف چرمی ریخته می شود و تا سال آینده با آن کار می کنند .

۱۰. توضیح : اگر مهره ها ناشناس لازم را نداشته باشند به جای کیف چرمی در یک جعبه کوچک یا چیزی شبیه به این ریخته می شوند .

۱۱. ساعت هایی در کنار بازیگاران که زمان را محدود می کند و باید بازی در کمتر از یک ساعت به پایان برسد .

۱۲. آمیزا در حالیکه هنوز جو را اول نگرفته بود ادامه داد ؛

۱۳. یا خرت که ما یا تانکس ها یا سمیانتیک هایی ، می توانیم با آن عقب انداختن مطالعه فعله کردن یا یک حرکت دیگر که یادمان نیست (۱)

۱۴. سراز نباید بیش از یک خانه جلو رود

۱۵. وزیر چون شیطان است همه جور می تواند حرکت کند .

۱۶. به بازی شطرنج این ایراد وارد است که متأسفانه فکر کل مهره های یک طرف را به بازی می گیرد ، اگر این مهره ها توسط یک گروه هدایت شود بهتر است .

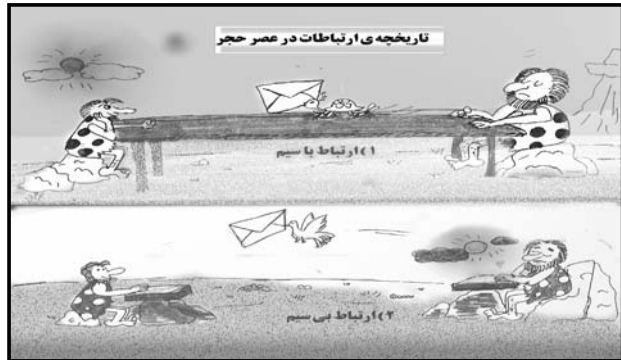
۱۷. باید مهره ها موانع شاه هستند تا آسیبی به آن نرسد یا وجود شاه یک سرباز می ترسد .

۱۸. شاه به هیچ عنوان از صفحه شطرنج حذف نمی شود بلکه فقط کشیش و در بدترین حالت مات می شود .

۱۹. رخ و فیل حرکتی انجام می دهند که مجموع حرکتشان از وزیر می آید .

۲۰. با آوردن شربت و کیک به جلسه گروه چکاچک حرفهای آمیزا ناتمام ماند ، براسی منظور آمیزا از این حرفهای بی سر و ته چیست ؟

فردریک باراباسوفامیک



تاریخچه ی ارتباطات در عصر ححر

### اندر انتخاب نام مستعار بندر عکس نهند نام رنگی کافور

بنده عادت دارم حکایت را از وسط هایش تعریف کنم ، پس با اجازه ی بزرگترها ، جمله ی تاستان ، رفته بودم که از مزایای جام فیض ببرم ، توی دروازه ی فوتبال ، اگر مال تیم خودی باشی نباید بلرز .

با این همه تفسیر متعددی که از تور می شود من هم از تور می ترسیدم بقول آمیزا قدر مصیبت کسی داند که به عاقبتی گرفتار آید ، من هم پس از اینکه به تور افتادم ، انهم به تور حضرت مستغاب دهباشی و با آن تور به بلاد شمال مملکت گل و بلبلمان ایران برافزاید تفریح و تفرج رقوم می بران اینها تفسیر بدی که از کلمه ی تور داشتم پایان داده بودم ، و فهمیدم تور خیلی خوب است آدم باید بداند که در کدام تور نرفتند .

تور مزایای مادی و معنوی فراوانی دارد هم برای کسی که تور می گذارد ، هم برای کسی که در تور می افتد .

بنده عادت دارم حکایت را از وسط هایش تعریف کنم ، پس با اجازه ی بزرگترها ، جمله ی تاستان ، رفته بودم که از مزایای جام فیض ببرم ، توی دروازه ی فوتبال ، اگر مال تیم خودی باشی نباید بلرز .

با این همه تفسیر متعددی که از تور می شود من هم از تور می ترسیدم بقول آمیزا قدر مصیبت کسی داند که به عاقبتی گرفتار آید ، من هم پس از اینکه به تور افتادم ، انهم به تور حضرت مستغاب دهباشی و با آن تور به بلاد شمال مملکت گل و بلبلمان ایران برافزاید تفریح و تفرج رقوم می بران اینها تفسیر بدی که از کلمه ی تور داشتم پایان داده بودم ، و فهمیدم تور خیلی خوب است آدم باید بداند که در کدام تور نرفتند .

تور مزایای مادی و معنوی فراوانی دارد هم برای کسی که تور می گذارد ، هم برای کسی که در تور می افتد .

امروز سوس آمیزا  
 Amordad@Vol.1 | No.10 | Tuesday | Aug. 20, 2002  
 E-mail: amordad@hokhotmail.com | پست الکترونیکی

مهاران : فرهاد روین تن ، بزمان پیلتن ، فریون تیربوسنگی ، آرش نور افروز ، آرش دیناریان ، کیوان مهر خربنی ، دهموند ، فیروزه روین تن ، عی زمانی ، شهرام میرزا گوشتی ، رستم دینبازی ،

**دانشگاه هی گردد...**

... به علت وابستگی به محیط مارکاز تهرانپارس توسط همکیشان عزیز ، طرح پاکیزگی توسط این عزیزان به خانم ابتکار رییس سازمان محیط زیست ارائه گردید .

... نمایندگان شهرهای مختلف استان های خراسان ، قزوین و ... هزینه اسکان و اقامت تریل های مختلف زرتشتی را به جام سال دیگر تقبل کنند تا بدون تنشهای مختلف سیاسی ، تصویب مجلسین و ... شهرهایشان در اقتضای بعد توسط مجری جام به استان تبدیل گردد .

... جناب آقای ولایتی وزیرساز امور خارجه که همیشه در سفر بود ، از رییس انجمن زرتشتیان تهران که ادامه دهنده ی راه ایشان است تقدیر و تشکر کند .

... بنا به علاقه شدید چند تن از همکیشان به ورزشهای زمینی و خیابانی و جنگی ، امکانات لازم جهت اجرای این مسابقات برای سال دیگر فراهم گردد تا شاهد برگزاری این مسابقات بدون داور و با حضور تماشاچیان به صورت خوش نشانییم .

... درحقیقت اقتضای جام که در حضور همگی برای گرفتن کمک مالی گزاف کرد و تا نتوان داغ بود نان را چسباندن و پول را توری رو درباستی گرفت ، به وزارت اقتصاد جهت گرفتن استقراض خارجی معرفی گردد .

... انجمنی در حد ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریالی پس از نظریه ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریالی جهت دریافت جایزه نوبل اقتصاد معرفی گردد .

... سربازان یکروزه ، یک هفته ای تیم های شرکت کننده جهت فرهنگسازی به تیمهای باشگاهی معرفی گردند .

... سال دیگر تعداد تماشاچیان صندلی و یا چاه فراهم گردد تا همگی به احترام سرود ملی کشورمان بااستیمنه بنگران جا نشانییم .

... تیم اهواز که با ۳ شرکت کننده در ۲۱ رشته ورزشی شرکت کرد به عنوان یکی از جایای ورزشی جهان معرفی گردد .

... نایب قهرمان تیراندازی بانوان کشور که در مسابقات جهانی چین با تیر اول سقف سالن را فرو ریخت و با تیر دوم بیست و هفتی را کشت جهت ارایه راکتار برای کنترل جمعیت به وزارت بهداشت معرفی گردند .

... از آشنایان جام تقدیر و تشکر فراوان به عمل آوردند ، چون داداشم اینها توشیح کار می گردند .

... روش جدید استمسان سر یکی را بر گزار کنندگان توسط دکتر جام به هیچ جا آرایه نشود

... سازمان بازیافت منطقه ۶ هفته نامه امرداد قرار داد ببندد تا حداقل خانم سردبیر کاغذ باطله ها را بجای کاغذ سفید در جلستان پاره کند .

... چون اکثر بزرگان جامعه ما حداقل با یکی از ورزشکاران حرفه ای زمان خوش هم میزبان بوده و حداقل هر کدام از آن قهرمانان یکبارگی از این عزیزان کمک خورده اند و این عزیزان به علت کمبود امکانات به تیر های ملی زمان خود وارد نشده اند که این گفتارهای راست از هیکلای به شدت تازشیده این عزیزان مشخص است . و با هر خورد اول جوانان ما متوجه می شوند این عزیزان در چه رشته ای تا حد قهرمانی فعالیت داشته اند ، یک دوره مسابقات برای این پیشگوستان سراسر و تماما ورزشی در رشته های منج و مارو بله بر گزار گردد .

... برای بالا بردن کمیت جام از برگزار کنندگان که دو برابر شرکت کنندگان می باشند جهت افزایش تمیهای شرکت کننده استفاده کرد .

... تمامی مشکلات جام و جامعه را به پای بچه های عزیز کانون بگذاریم ، تارسیس ، موسسا یا فرغ یا بال به کارهای بزرگتری مشغول گردند

... بچه های عزیز کانون به عنوان گوشت قربانی معرفی گردند تا به کسی کشمش نخورد .

... کشمش خوشمزه تر از عزیز ، مسابقات آنان همیشه و همچون گذشته در بهترین ساعات روز یعنی ۱۲ ظهر برگزار گردد .

آدم

**اطلاعیه مهم آبدار خانه شاغلام !**

**بچه ها... گل آقا با همکاری چکاچک ...امرداد منتشر می کند.**

هفته نامه بچه ها... گل آقا (اولین هفته نامه بچه های ایران) با همکاری بچه های گروه چکاچک هفته نامه امرداد در مهرماه امسال (۱۳۸۱) یک شماره مخصوص هموطنان زرتشتی منتشر می کند.

شما نوجوانان و بزرگترهای با ذوق می توانید آثار طنز نوشتاری (شعر طنز ، داستان طنز و...) کاریکاتورهای خودتان را با موضوعات مورد علاقه نوجوانان حداکثر تا اول شهریور ماه برای ما به نشانی تهران صندوق پستی ۱۵۸۷۵.۵۶۵۶ بفرستید . هفته نامه گل آقا یا آدرس تهران خردمند شمالی کوچه ۶ پلاک ۲ هفته نامه امرداد بفرستید . برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۱۲۰۴۸۷۹۳۰۱۲ یا ۸۸۲۴۸۰۰ تماس حاصل فرمایید.

**آذربایجان: آموزش شده**

به کاشکی اخیرا رفته بودم شده آگه به مقداری از آنان به خود گفتم شوغال زخده همی رضم رسیم یا به آن باغ درونگه بر در روزگی سرداشت گورشم پاره سنگی در گفتم دست چو گشتم عاقبتی تاب و نالن بنگتتا نام خود گویم به ایشان همان کشندزمن امودمه خاطر زن کردی ، شو جیبا جاش به اب کم زرده گویم و بچی بل ندارد خانه ای در نوبی تیرون شده وارد باغ و گشتم بیرون به جز در این میل در جا که خواهی نلال گشتم خدایا این چه چوره ؟ فرامع کن تو هر بولی که خوانند نوشتم آنچه را دیدم بظاهر

**کارتوت یا کارتوت**

کوپولی به دوستش رسدواز اوسوالاتی کرد: دوست داری صبحانه رویا کی بخوری ؟ هاج زنبور غسل به چه مدرسه ای می روی ؟ مدرسه موسها مشکلات خود را با چه کسی در میان می گذاری ؟ وقت مشکل را چه کسی کمک می گیری ؟ همشآگردی هایت چه کسانی هستند ؟ دکتر ارنست وقتی مریض می شوی پیش کی می روی ؟ وقتی تنها هستی پیش کی می آید ؟ چه حیوانی را به عمرت خوشی می آید ؟ بچه های کوه که تعطیلات را پیش چه کسی می روی ؟

**اردشیر کیانی**

منتظر سایر کارهای آقای کیانی و دیگر نویسندگان چکاچک هستیم

**از مستحقین بزرگان**

**آن نما که آنی ، اگر نه به تو نمایند آنچه سزای آنی**

خواجہ عبدا... انصاری

The greatest general is who makes the fewest mistakes.

Napoleon I

بزرگترین سردار کسی است که کمترین اشتباهات را می کند

نپولئون بناپارت

انتخاب و ترجمه: د.دانش کامی

**ماجرای شورای شهر یا شهرداری**

جرايد (۸/۱۵/۸۱) نوشتند کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی دیروز با افزایش شمار اعضای شورای اسلامی شهر تهران از ۱۵ نفر به ۷۵ نفر موافقت کرد .

نظر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را به این نکته جلب می کند که ۱۵ نفر در عرض این مدت چه بر سر ۳ شهردار آوردند ، حالا که قرار است ۷۵ نفر باشند ، کدام آدم عاقلی جرات دارد شهردار تهران شود .

الیزابت باراباسوفامیک

هفتم آگوست ۲۰۰۲ . پیر نارکی : من پول می دم که اینجور باشه ! ۵۰ میلیون ، ۵۰ میلیون به شما می دم ، اونوقت این وضع ... بهدانشی سروسس های بهداشتیه! آخه نه توالت فرنگی ، نه توالت ایرونی ، هیچکدوم به درد نمی خوره ! که! که! که! دیگه این وضعیت باشه ، دیگه از پول مول خیری نیست! اهمیدید! آخه می خورده هم به فکر ما باشید! ایندگه حرفی ندارم ! می تونید برید !

نوشته: پ. س. تلخیص : اسفندیار

## همانطور که به شما کمک شد به دیگران کمک کنید

بازی کیومرثی



از او بسیار شنیده بودم و شاید نخستین زمان که او توصیف او، از جمله بیشتر مردم، باززنگانی موفق و ثروتمند شد. هر چند که از سال های گذشته، در بخش های مختلف دهش زبانی داشته است که پرداخت

و اما به دانشجویان از آن جمله است. اما شاید زمانی نام او جدی تر بر سر زبان ها افتاد که وی در جریان رقابت های انتخابی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی وعدهی پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان را برای ساخت ورزشگاه برای جامعهی ورزشی داد و این قضیه زمانی جدی تر شد که برادر او خسرو دبستانی بر کرسی نمایندگی درودی ششم مجلس شورای اسلامی تکیه زد. از آن سال حدود ۲ سال می گذرد و این پرسش در ذهن بسیاری از مردم به وجود آمد و حتی در جامعه زرمه شده شد. که پس این پول چه شد؟

و حتی برخی راه افراط را پیموده و گفتند: فقط وعده بود و البته سکوت خسرو دبستانی نیز شاید به این امر دامن می زد تا جایی که سرانجام او گفت پرداخت این پول را برادر مرد وعده داده است نه من.
آری حق با او بود: پس باید صبر پیشه کرد و بعد قضاوت نمود و زمان گذشت.
اسلام نخستین بار در پیر نازکی دیدیمش. از دیدش بسیار خوشحال شدم و فکر کردم بهترین فرصت است که با او به گفتگو بنشینم. پیامها آنچه وعده داده است و فراتر از آن با اینکه پس از سالها هنوز قلیش این وطن می تپد و از دور و نزدیک از بخش های برای در جامعه ورزشی شنیده ام.
چون روز پیش تلفنی از او وقت ملاقات گرفتم: محور گفتگو وعده ۱۰۰ میلیون تومان برای ساخت ورزشگاه بکوتگی زندگی در خارج از کشور و انگیزه هایش برای دانش و او موافقت کرد. قرار گفتگو را ساعت ۱۰ صبح در منزل برادرش گذاشتم. رأس ساعت خود را رساندم.

استقبالی و سلام و احوالپرسی: او در حالی دیدم که گوشه ای سالن پذیرایی توی صندلی راحتی فرو رفته و غرق محاسبه بود. از من خواست کنارش بنشینم و با عنبر خواهی مختصری دوباره مشغول کار شد.
غذایی به چشم داشت. دگمه های مانکن حساب را بر سرتم می زد و مراجه بروی کاغذ ردیف می شد.
فکر می کردم فعالیت های خفشی را در پیش روز وارد و سرانجام کارش تمام شد. عینک را برداشتم، لیغندی زد و این آغاز بود. تصمیم گرفتم حالا که اینگونه شروع



شده من از سوال اسدی ام شروع کنم.
داشتیم سلام را مرور می کردیم.
آقای دبستانی می خواهم پرسشم را از وعده شما شروع کنم. پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان برای ساخت ورزشی وصال، به کجا رسید؟
متحکم تر می شنیدند و می گوید: این توفیق را داشتم که در مبارزات انتخابی نامزدها برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در ایران باشم و به خاطر نیازم که برای ایجاد زمینه لازم برای ورزش جوانان احساس کردم شخصا تمیعدارادم ۱۰۰ میلیون تومان در این زمینه بدهم اما متأسفانه عواملی که می بایست ایجاد می شد تا من این پول را پرداخت کنم فراهم نشد و با وجودی که بارها با سازمان فرور و یکسرو گیمو گرفتم، موفقیتی حاصل نشد.
به هر حال حال منی بسیار مایل بود که سازمان فرور در حال حل و اتمام تک کارها بود و به همین دلیل کم کار تا به امروز عقب افتاد.

اما سرانجام این زمینه فراهم شد و آنها آمادگی خود را اعلام کردند. من نیز بلافاصله آمادگی خود را اعلام کردم حتی ۱۰۰ میلیون را به ۱۰۱ میلیون تومان افزایش دادم.
در حال حاضر آیا مبلغی از این پول پرداخت شده است؟
بله ۵۱ میلیون تومان را داده ام و در حال حاضر در اختیار سازمان فرور هست. در نخست هیات مدیره نیز توافق کردند که با نظارت هیاتمدیره خسروی و منهدس جمشیدی و رئیس وقت سازمان فرور این کار انجام شود. زمانی که کار جلوی رفتن و احتیاج به پرداخت بقیه پول بودی می درنگ ۵۰ میلیون بپوشیدم رایک با چه حساب سازمان فرور واریز خواهم کرد.
آقای قرار باشد انگیزه اصلی شما برای پرداخت چنین مبلغی بیوسم چه پاسخی خواهم شنید؟
انگیزه ام این بود که پول کمک به جوانان بود. چون اولا زمین وصال در این حین حساب قرار دارد و نتیجهی بازیدهایی که از جاهای مختلف و این سالان داشته، فکر کردم که شاید این بهترین مکان برای کار باشد.
به هر حال هنوز کارهای زیادی در پیش دارم که باید انجام بدهیم. از قدیم گفته اند نقل سالم در بدن سالم است.

می شود. چشم بازی می کند و همراه با تبسمی که از گذشته ها نوبدی می دهد، من به این شغل و حرفه، تصادفی بیش نبودم. وقتی در آنجا بودم به یک خانواده بدون هیچ پیشرفت داشتم و بی دریغ کمک کردم، آن ها نیز برای قدر دانی مرا در کار سینما شریک کردند و ادامه می دهد. خوب بود یادارم وقتی در یک مهمانی بودم، آن خانواده نیز آمدند و بعد از کمی حرف زدن، پیشنهاد کاری به من شد و من نیز قبول کردم و بعد از مدتی نخستین سینمای خود را در ایالت واشنگتن تاسیس کردم.

فلم های ایرانی در آنجا دوستدار دارد و من در نظر این جوانان کار فوق العاده خوبی انجام داده ام و امیدوارم که در آینده نیز بتوانم کمک های کم و بیش بکنم.
از آنجا که سینما خوراک همیشگی احتیاج دارد و در نتیجه در بعضی مواقع استقبال زیاد بود و در بعضی موارد به این دلیل با من نمی توانم همیشه از فیلم های ایرانی استفاده کنیم ولی تا آنجا که بتوانیم بخش فیلمهای ایرانی را در سینما های آمریکا و کانادا خواهیم داشت.
چه راهکارهایی را برای موفقیت بیشتر فیلم های ایرانی پیشنهاد می کنید؟
تبلیغ درست. فیلم های ایرانی از آن تره باغ های زیاد و متنوع موفق تر خواهند بود.



آقای دبستانی: راز موفقیت خود را در چه می دانید؟
می خندد و می گوید واقعا من موفق هستم؟ و بعد می گوید:
وقتی به کانادا رفتم با داشتن همسر و کودک ۵ ماهه نخستین هدفم درس خواندن و ادامه ی تحصیل بود و همین کار را هم کردم.
از حالت چهره اش می شود فهمید دوباره به گذشته برنگشته. در حالی که می خندد می گوید:
این ها را جادای از مصاحبه می گویم! وقتی به کانادا رسیدم، تنها سرمایه ام ۱۲۰۰ دلار کانادایی بود و پس از شانسیم هنوز روزی نگذشته بود که دندان درد گرفتم و در همان روز برای اول ۵۰۰ دلار هم خرج دندان درد کردم و فقط ۷۰۰ دلار برام باقی ماند.

بعد از چند ماه در اداره ی مهاجرت کانادا بوقتی نوبت من رسید مسوول آنجا از من پرسید چندتر مسافر داری و من با صداقت گفتم نه تنها سرمایه ای ندارم بلکه ۲۰۰ دلار هم بدهکارم و مسوول آنجا کمی نگاه کرد و بعد در ورقه ی اداری نوشت (مقدار دارایی = ۲۰۰ دلار)

ولی هیچ موقع نام امید نمی شدم و در کارهای جزئی شروع کردم، اول در کار توزیع روزنامه بودم و بعد در کتابفروشی کار کردم و کارهای دیگر تا اینکه خودم را ساختم و اکنون از زندگی ام راضی هستم.
سعی کردم جواب بدی ها را با خوبی بدهم و تا آنجا که توانسته ام به همه کمک کردم.
در طول گفتگو پسرش ادریش کار ما ننشسته بود و به زبان در می فرود می زدن فارسی نمی توانست صحبت کند. معلوم می شود زبان اندکی قدرتی دارد از همه چیز. فکر می کنم پسر جوانی که اینچنان هستند و می گویند زبان در می نمی فهمند چه بلایی برایشان آمده؟

ادریش به دقت همه ی حرفهای ما را شنید و در بعضی موارد به تعجب نگاهمان کرد. فکر کرد در آن نیز بیوسم:

ادریش جوانان ایرانی زرتشتی را چگونه دیدی؟
آیا دوست داری برگردی ایران؟
بله البته که دوست دارم به ایران برگردم. دوستانی که در ایران می بینم همه زرتشتی بودند. ما در آمریکا همیشه کار می کردیم ولی اینجا الان که تابستان است خیلی ها تعطیل هستند و وقت آزاد دارند.

آقای الله بار دستنای احرفی و سخنی دیگر برای جوانانگام امرداد دارید؟
بله سه نکته هست که می خواهم بگویم. اول رسیدگی بیشتر به وضع زیارت کارها هست. البته فکر می کنم این تنها وظیفه انجمن ها و یا خادمن این زیارت کارها نیست بلکه امروز آدم های هستند که بسیار پولدارند اما اصلا به فکر دیگر افراد جامعهی خود نیستند. و آرزوی من این است که هر روز به تعداد انسان های متعهد اضافه شود.

بگرودمی به شخص آقای دوستدار:
زندگی خانواده گان کار برپیمان دوستدار:
الله بار دبستانی سپر استاد ادریش دبستانی هستم.
با گیتی دبستانی ازدواج کرده ام که حاصل ازدواجمان ۲ فرزند به نام های نوین و ادریش است، که دخترم لیلیسان تجارت و پسرم پرنسک است و هر دو مشغول کار هستند.

آقای دوستدار:
واقع صاحب چندین سینما. چه چیزی باعث شد که بعد از رفتن به خارج به کار فیلم و سینما روی بیاوردی؟
بعد از لحظه ای گذرمانش را می بیند و می خندد و می رود. گویی تمامی خاطرات جوانی در ذهنش سرازیر می شود. چشم بازی می کند و همراه با تبسمی که از گذشته ها نوبدی می دهد، من به این شغل و حرفه، تصادفی بیش نبودم. وقتی در آنجا بودم به یک خانواده بدون هیچ پیشرفت داشتم و بی دریغ کمک کردم، آن ها نیز برای قدر دانی مرا در کار سینما شریک کردند و ادامه می دهد. خوب بود یادارم وقتی در یک مهمانی بودم، آن خانواده نیز آمدند و بعد از کمی حرف زدن، پیشنهاد کاری به من شد و من نیز قبول کردم و بعد از مدتی نخستین سینمای خود را در ایالت واشنگتن تاسیس کردم.

## مهرداد آبدیان

مهردها آبدیان جوان گرایان نیاز جامعه ی امروز ما را برطرف می کند. او فعالیت های اجتماعی بر حسب آمار و ارقام و نمودار انجام می دهد و بدون در نظر گرفتن این مهم در هیچ زمینه ای پیشرفت حاصل نمی شود. آمار جمعیتی ایران نشان می دهد که کشور ما یکی از جوان ترین کشورهای دنیا است و در مقام سوم جامعه ی زرتشتی نیز از این شرایط مستثنی نیست. جوانان اجتماعی ما برای پیشرفت، نیاز مبرم به نیروی کار خود گذشته و البته توأم با همیاری افراد مجرب و نیک اندیش دارد. مکتوب نمونه ای از کانون دانشجویان زرتشتی است. این جوانان دلباخته و فریخته با وجود مشغله ی درسی و مشکلات زیاد حاشیه ای آن، بدون چشمداشت یا درخواستهایی و شهرت طلبی از کمترین امکانات، بیشترین بهره ی فرهنگی را به همکیشان هدیه می کنند یا بقولی فرهنگ تولهی می کنند.

برای نمونه اجرای پیکار های ورزشی جام جانباختگان با آن نیاز بنیاد گشایش و پیاپی و اجرای کل آن کار ساده ای نیست که هر ساله به نحو احسن انجام می شود و در هیچ کم که هیات مدیره ای انجمن با وجود دست و دلبازی های زیاد در سایر زمینه ها، از در اختیار گذاشتن بودجه ی کافی به این مساله مهم کوتاهی می کند.
این خود به مدت پنج سال مدیر یک باشگاه ورزشی بوده ام و نیک می دانم که اداره ی چنین مسابقات ورزشی چه تلاش و از خود گذشتگی می طلبد و من خود شاهد بودم که برخی از این جوانان دلباخته در زمان انجام مسابقات تمام شبانه روز را در مارکار می گذرانند و از خستگی خود بی خبرند، چه من همیشه فکر می کرده ام و هنوز هم بر این باورم که برای هماهنگی فعالیت این عزیزان شخص مجربی از دوره های پیشین مدیریت کانون صورت ماندگار و همیشگی لازم است. چون این جوانان پس از فارغ التحصیل شدن بسته به شرایط زندگی و شغلی، مصدعی فعالیت اجتماعی را ترک می کنند و تجربه ی بدست آمده کاملاً به نسل بعدی دانشگاهی منتقل نمی شود.

در این میان لازم می دانم از کار زیبا و نیکوکارانه ی گرداندگان سازمان فرور در برگزاری نوبت دوم مجمع همگانی یاد کنم که هیات مدیره ی جدید خود را ترکیبی از نسین با ۲۰ سال و جوانان برگزیده است، تا انرژی و شوق جوانی را با آبدیدی می دهد.
این است در راه خدمت به جوانان همکیش پیروز باشند و سازمان محترم زبان زرتشتی این روش شایسته را در جوانگرایی هیات مدیره خود منظر قرار دهد تا با استفاده ی تبهانی از نیروی جوانی دختران نیک سرشت زرتشتی، و چه فعالیت بیشتر جامعه ی زرتشتی کوشا باشند و چه زبایست سیاستگذاران جامعه تدابیری برگزیده در دوره های بعدی هیات مدیره ی انجمن های تهران و سایر شهرها، جوانان تاز به کنار بزرگان نبینند و در تصمیم گیری ها جوانی و شادابی و با تجربه و مدیریت به هم آمیزد.

و سخنی با مدیران، سیاستگذاران و ریش سفین جامعه:
آمارهای رسمی و غیر رسمی در نظریات و از زبان محافل رسمی در مورد بیکاری، و اعتیاد به مواد مخدر، انحراف اخلاقی، فرار جوانان از ازدواج و طلاق، زنگ خطر را برای خانواده ها و سران جامعه ی زرتشتی به صدا در می آورد. گر چه آسیب صحیح و آموزش های اشورتزشت جوانان ما را از بعضی آسیب ها مصون می دارد و خوشبختانه آمار دقیقی از این آسیب ها در جامعه ی ما در دست نیست که امید است ناچیز باشند، بااینکه است با ایجاد بنیاد های فرهنگی و هنری، فرهنگسراها، ورزشگاه ها و تشکیلات های ورزشی و افزایش فعالیت های فرهنگی و هنری، روح و روان لطیف این جوانان را پالایش دهیم.

با سرمایه گذاری انجمن ها و سازمان های زرتشتی تحت نظر متخصصین همکیش که تعدادشان کم نیست، در ایجاد کار برای جوانان بیکار کوشا باشیم. ضمن افزایش سهم دانشجویی نسبت به ایجاد وام ازدواج برای جوانان کم درآمد، یا ساده کردن این ازدواج به دور از هر گونه چشم و همسر می پسندیم این جوانان یک نهاد رایبرای آموزش های اشورتزشت به تشکیل خانواده ترغیب هستند و می گویند زبان در می دین بقی را استوار سازند.

گفته شده همایش جوانان زرتشتی به زودی در کرمان برگزار می شود. لازم است گرداندگان این همایش مبنای برنامه را در این حوزه زمینه ی فعالیت جوانان در تحصیل علم، فعالیت های هنری و ورزشی و تربیتی، به ویژه ایجاد کار برای بیکاران برنامه ریزی کنند. بدین وسیله این تفکر نادرست را از جوانان بزدانند که هر زمان بزرگان تصمیمی برای جوانان می گیرند یا بند است یا بند است! جوانان امروز میانی می خواهند، امکانات می خواهند، پیشرفت می خواهند و در نهایت بازدهی صحیح. و چه بهتر که در خدمت همکیشان باشند.

اما سخن آخر با شما فراگزان گرداننده ی دو هفته نامه ی امرداد که سخت ترین راه خدمت به همکیشان را برگزیده اید و در راه استفاده ی بهینه از نیروی جوانی پیشقدم بوده اید. تا پاسی از شب بدون هیچ چشم داشتی بزرگترین همت و پیاوردی را در ایجاد ارتباط و پیشرفت فرهنگ جامعه ی زرتشتی ایجاد می کنید. همچون کوه در میان گفتار و فکر درست استوار بمانید. در برابر انتقادها و نا ملایمت ها سنگ بصور باشید. اکنون حدود پنجاهمین شماره ی امرداد منتشر می شود. گرداندگان آن را مرز همکیشان فراتر رفته و وجود ناهنجاری ها و کاستی ها حتی جزئی توجیه پذیر نیست. جامعه فقط به طلب گفتار دیگران اکتفا نمی کند. امرداد جمع و تخصص می آید. آمار علی. آیارگان، بزرگان، آموزگاران، جوانان، پیران، جویندگان کار و ... لازم است با به خدمت گرفتن متخصصین و کارشناسان حرفه ای از بین همکیشان در پیشرفت این نشریه به ویژه تبدیل آن به هفته نامه کوشا باشید.



